



تفاوت فسخ ازدواج با طلاق/ جنبه ها و اثرات مختلف طلاق

روز به روز ازدواج های ناشاد بیشتری به طلاق ختم می شود. حدس و گمان هایی راجع به خواستگاه افزایش نرخ طلاق وجود دارند که برخی از آنها عبارتند از افت اخلاقی، خودخواهی فزاینده نسل ها و ناتوانی آدمیان در ایجاد روابط عمیق.

خبرگزاری مهر- روز به روز ازدواج های ناشاد بیشتری به طلاق ختم می شود. حدس و گمان هایی راجع به خواستگاه افزایش نرخ طلاق وجود دارند که برخی از آنها عبارتند از افت اخلاقی، خودخواهی فزاینده نسل ها و ناتوانی آدمیان در ایجاد روابط عمیق. طلاق در لغت جدا شدن زن از مرد، رها شدن از قید نکاح و رهایی از زناشویی است. در عرف عام معنای جدایی از آن در ذهن متبادر می شود. بعضی طلاق را در معنای بیزاری به کار برده اند.

باید بین طلاق و فسخ تمیز گذارد. این دو از سه جهت متمایز می باشند: فسخ، قطع قرار داد زوجیت است بدون آنکه با تشریفات خاص طلاق همراه باشد. به بیان دیگر، آنچه «# مجرایابی» طلاق خوانده می شود، در مورد فسخ مصداق ندارد.

در فسخ زن از مهر محروم است و رابطه زوجیت به طور کامل قطع می شود، حال آنکه در بعضی از اقسام طلاق امکان بازگشت به زندگی زناشویی قبلی بدون ازدواج مجدد وجود دارد.

همان طور که از نامش بر می آید، در فسخ رابطه زوجیت گسسته می شود بدون آنکه کلماتی صورت گرفته باشد. موارد فسخ بدین قرارند:

- جنون زن یا مرد: چنانچه زن یا مرد قبل از عقد قرارداد زوجیت دچار جنون بوده و طرف مقابل از آن اطلاع و آگاهی نداشته باشد، می تواند بدین دلیل به قطع رابطه زوجیت بپردازد. در صورت بروز جنون بعد از ازدواج، مرد حق فسخ ندارد در حالی که زن مجاز بدان است.

- فقدان صفات شرط شده: چنانچه مرد یا زن قبل از ازدواج شرط هایی را مطرح ساخته و طرف پذیرفته باشد، در صورت عدم تحقق آن شروط، فسخ ازدواج از جانب طرف مقابل امکان پذیر است.

- نارسایی های جسمانی زن یا مرد: چنانچه زن یا مرد دارای چنان نارسایی های جسمانی باشند که تحقق امر زوجیت را محال سازد، امکان فسخ برای طرف مقابل وجود دارد.

دید کلی طلاق

روز به روز ازدواج های ناشاد بیشتری به طلاق ختم می شود. حدس و گمان هایی راجع به خواستگاه افزایش نرخ طلاق وجود دارند که عبارتند از: افت اخلاقی، خودخواهی فزاینده نسل و ناتوانی آدمیان در ایجاد روابط عمیق. امروزه تحریم های اجتماعی در برابر طلاق از بین رفته است.

جنبه های مختلف طلاق

وقتی ازدواج از هم می پاشد، در اثر آن چندین نوع طلاق ایجاد می شود:

طلاق عاطفی: زمانی رخ می دهد که ازدواج دستخوش تباهی می شود (اما ممکن است تا بعد حکم طلاق ادامه یابد)

طلاق اقتصادی: که در رابطه با پول و توافقه های مالی (مانند مهریه) است.

طلاق های هم والدی: که در ارتباط با نگره داری و سرپرستی از فرزند، خانواده های تک والدی، یا حق ملاقات با فرزندان است.

طلاق اجتماعی: که در زمینه تغییر روابط با جمع دوستان همسر رخ می دهد.

طلاق روانی: که در حضور مسائل مربوط به بازیابی، خود پیروی فردی و مشکلات مربوط به فکرکردن بر اساس ضمیر «#من» نه«# ما» است.

اثرات طلاق

پس از طلاق به دلایل مختلف ممکن است عزت نفس دچار آسیب شود. بسیاری از افرادی که متارکه کرده اند خود را شخصی ناپسند و فاقد توان کافی برای ازدواج مجدد می دانند. مردان و زنان از لحاظ واکنشی که در برابر طلاق از خود نشان می دهند با یکدیگر فرق دارند. مردان گرایش به آن دارند که طلاق را به عنوان چیزی که ناگهان رخ داده است، ادراک کنند. زنان بیشتر احتمال می رود که آن را به عنوان نقطه پایانی بر یک فرایند طولانی قلمداد کنند. به همین خاطر است که زنها کمتر احساسهای منفی را درباره طلاقشان گزارش می کنند. طلاق برای زنان تنش زاتر و گسلنده تر است تا مردان. ممکن است زنی باشد که تردید کمتری درباره نفس طلاق داشته باشد. اما می تواند همین دلیل باعث شود که در برقراری زندگی جدید مشکلات بیشتری داشته باشند.

آدمیان از لحاظ واکنشی که در برابر طلاق از خود نشان می دهند، بسیار متفاوت اند، بسیاری از هم می پاشند، اما برخی دیگر نوعی تعالی عاطفی را تجربه می کنند. اگر طلاق را نقطه مقابل ازدواج موفق و خوب تلقی کنیم در این صورت پدیده ای غمبار قلمداد خواهند شد. اما برای بسیاری از کسانی که طلاق گرفته اند، انتخاب هایی که در اختیار داشته اند یا طلاق بوده است و یا یک ازدوج نا موفق و بد.

کنار آمدن با طلاق

سازگاری با طلاق به عوامل بسیاری وابسته است: نگرش در مورد ازدواج ناموفق شخصیت فرد و محیط اجتماعی. برای کنار آمدن با طلاق کمک های بیرونی از سوی متخصصان بهداشت روانی و گروه های خودیاری متشکل از افراد مطلقه (مانند والدین بی همسر) در دسترس هستند. همچنین حتی هنگامی که افراد عزم خود را برای طلاق جزم کرده اند مشاوره با زوجها می تواند مفید واقع شود.

برخی از فنون مسئله گشایی و مهارت های حل تعارض که برای بهبود ازدواج به کار می روند، می تواند برای کمک به حل آسیب های ناشی از جدایی موثر باشد.